

ریخت‌شناسی حکایت‌های گلستان سعدی (بر اساس الگوی پیشنهادی پاول وهویلین)

سپیده یگانه^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء(س)

هانیه قوامی

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه ادبیات انگلیسی دانشگاه الزهراء(س)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۵/۳۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۶

چکیده

ریخت‌شناسی داستان پاول وهویلین، یکی از الگوهای روایت‌شناسی داستان‌های قهرمان‌محور به حساب می‌آید که به نوعی تخلصی از روایت‌شناسی داستان پراپ است. بر این اساس، هر داستان قهرمان‌محور دارای مراحل پنجگانه (احساس کمبود و نقصان از سوی قهرمان، انگیزش برای جبران آن، مواجهه با یاریگر، رویارویی با آزمون، پاداش) است که شاکله و ساختار روایی آن‌ها می‌تواند دیدگاه و هدف نویسنده را آشکار کند. گلستان سعدی به عنوان یک اثر تعلیمی، هشت حکایت منطبق با الگوی پیشنهادی وهویلین در باب اول است. همه قهرمان‌ها، انسان و مرتبط با واژه-معنای دربارند که با چالشی روحی، جسمی و موقعیتی، البته ناخواسته، رویارو شده‌اند. یاریگرهایی از نوع ترکیبی، «انسان و موقعیت»، به‌ویژه طبقه طبیبان آن‌ها را همراهی می‌کنند. پس از آن، در آزمونی صفات والای انسانی فرد مانند (درايت، صبر، فراست، وفاداری، رفاقت و وارستگی و مناعت طبع) سنجیده می‌شود. تمام قهرمان‌ها با سربلندی از آن بیرون می‌آیند و خواسته‌ای که زمینه‌ساز حرکت بود، با همان کیفیت متصور یا بیش از آن، حاصل می‌شود. بر این اساس، سعدی با پردازش حکایت‌های قهرمان‌محور در فضایی واقع‌گرایانه، هر انسانی را قهرمان روایت زندگی خود معرفی می‌کند و از ژانر قهرمانانه در راستای اهداف ادبیات تعلیمی بهره می‌برد.

واژه‌های کلیدی: ریخت‌شناسی، پاول وهویلین، گلستان سعدی، روایت‌شناسی داستان، الگوهای روایت‌شناسی

۱. مقدمه

ریخت‌شناسی (Morphology) که در علم گیاه‌شناسی به بررسی شناخت اجزای تشکیل‌دهنده گیاه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و ساختمان گیاه اطلاق می‌شود، از سوی ولادیمیر پراپ (۱۸۹۵-۱۹۷۰ م.)، پژوهشگر فرمالیست معاصر، به عنوان الگوی مطالعاتی داستان‌های عامیانه انتخاب شد (ر.ک: پراپ، ۱۳۶۸: ۱۷). اگرچه الگوی مذکور بر اساس قصه‌های پریان روسی شکل گرفت، اما قابل‌تعمیم به سایر ژانرهای داستانی ملل دیگر از جمله ادبیات فارسی ایران است.

پراپ که در پی کشف ساختار واحد روایی در قصه‌های پریان بود، به ارائه الگویی با عنوان «خویشکاری قهرمان» نائل می‌شود که مراحل حضور قهرمان را در طول روایت‌های داستانی طبقه‌بندی و تحلیل می‌کند. این الگو که بعدها از سوی دیگر صاحب‌نظران مورد نقد و تعدیل‌هایی قرار گرفت، در ادبیات داستانی و شبه‌داستانی ایران (حکایت، تمثیل و...) نیز تعمیم‌دانی است که از آن جمله است تقلیل مراحل خویشکاری قهرمان به پنج مرحله کلی از سوی پاول وهویلین (۱۹۳۰-۱۹۷۴ م.)- پژوهشگر ساختارگرایی روسی- که توان انطباق با آثار داستانی گسترده‌ای را در نظریه پیشین ایجاد می‌کند. از این رو، این پژوهش بر اساس نظریه خویشکاری قهرمان قصه و مدل وهویلین در پی آن است که بخشی از ادبیات تعلیمی فارسی را بررسی کند و سهم قهرمان‌محوری را در این ژانر می‌سنجد. از این رو، گلستان سعدی به عنوان یک اثر تعلیمی انتخاب، بررسی و تحلیل شد.

۲- پیشینه پژوهش

با نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده بر مبنای ریخت‌شناسی داستان و نظریه خویشکاری، آشکار می‌شود که مرزبان‌نامه، کلیله و دمنه، شاهنامه فردوسی، لیلی و مجنون و آثاری از ادبیات معاصر قابلیت بررسی انطباقی را با نظریه مذکور دارند. از جمله این پژوهش‌ها عبارتند از: «بررسی و نقد توالی خویشکاری‌های قهرمان در نظریه ریخت‌شناسی پراپ (با تأکید بر ریخت‌شناسی سه قصه از شاهنامه)» از خاور قربانی و کیوان گورک، «بررسی تحلیلی ساختار روایت در شعر مسافر بر اساس الگوی ریخت‌شناسی» از رضا قنبری عبدالملکی، «ریخت‌شناسی داستان شیخ صنعان» از فاطمه مجیدی، «ریخت‌شناسی داستان لیلی و مجنون جامی بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ» از مصطفی گرجی، احمد محبوب و نادعلی فلاح، «ریخت‌شناسی حکایت‌های کلیله و دمنه نصرالله منشی» از احمد پارسا و لاله صلواتی و بسیاری دیگر مانند این‌ها. در این میان، آثار سعدی به عنوان بستری برای

بررسی ریخت‌شناسانه در نظر گرفته نشده‌است. از این رو، پرداختن به این مقوله و تلاش برای تطبیق ادبیات تعلیمی با ساختار داستان‌های قهرمان‌محور خالی از لطف نمی‌نماید.

۳- ریخت‌شناسی و الگوی خویشکاری قهرمان

مجموعه‌ای از کنش و واکنش‌ها در زمان و مکانی شخصیت که با انتخاب راوی در نظامی هدفمند به مخاطب منتقل می‌شود، کارکرد شخصیت را در داستان تشکیل می‌دهد (ر.ک؛ تولان، ۱۳۸۳: ۱۸). کارکرد شخصیت‌های قصه، کوچک‌ترین واحد در الگوی ساختاری روایت است (Propp, 1968: 19-39). پراپ با بررسی این واحدهای کوچک ساختاری در قصه‌های پریان روسی، به طراحی یک الگوی ساختاری با ۳۱ مرحله‌ی روایی در باب قهرمان داستان موفق شد. شیوه‌ی تجربی و استنتاجی پراپ با توجه به خاستگاه شکل‌گرایانه‌اش، نقدی متن‌محور است که در آن بافت‌های فرامتنی بررسی نمی‌شوند. اصلی‌ترین محور شیوه‌ی او، طبقه‌بندی ساختاری حضور قهرمان از ابتدا تا انتهای قصه‌های عامیانه است؛ به عبارت دیگر، یکی از محورهای عمده‌ی روایت‌شناسی در ادبیات داستانی، کشف دستور زبان داستان و نظامی است که بر ساختار آن حاکم است و از آنجا که داستان‌های عامیانه ساختاری ساده دارند، کشف نظام روایی و طبقه‌بندی آن آسان‌تر می‌نماید (ر.ک؛ اخوت، ۱۳۷۱: ۳۳-۳۶). از این رو، بررسی‌های روایت‌شناسان بر قصه‌های عامیانه تمرکز داشت.

ولادیمیر پراپ کتاب خود را ابتدا به سال ۱۹۲۸ میلادی و ترجمه‌ی انگلیسی آن را در ۱۹۵۸ میلادی با عنوان *ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه* منتشر کرد. او این کارکردهای ثابت را «خویشکاری» (به نقل از: شریف‌نسب، ۱۳۹۴: ۷) نامید و سی‌ویک مرحله برای آن تعریف کرد که اگرچه تمام آن در روایت‌های داستانی وجود ندارد، اما توالی مراحل موجود، ثابت و یکسان است. مراحل سی‌ویک گانه‌ی الگوی پراپ عبارتند از:

۱. قهرمان داستان معرفی می‌شود.
۲. قهرمان از رفتن به جایی و یا انجام کاری منع می‌شود.
۳. منبع شر یا شخصیتی شرور وارد داستان می‌شود.
۴. شرور درباره‌ی قربانی خود اطلاعاتی کسب می‌کند.
۵. شرور اطلاعات را پیدا می‌کند.
۶. شرور قربانی را فریب می‌دهد تا اموال او را تصاحب کند.
۷. سرانجام، قربانی فریب می‌خورد و تسلیم می‌شود و به دشمن ناخواسته کمک می‌کند.

۸. شرور آسیب و ضرری به خانوادهٔ قربانی می‌رساند (با فریب، حقه، جادو، از دست رفتن محصول و... در این شرایط، یکی از اعضای خانواده طلب و خواسته‌ای دارد که برآوردن آن برای خانواده مشکل است).
۹. بدبختی و مصیبت آشکار می‌شود (قهرمان فراخوانده می‌شود و اجازه می‌یابد که راهی شود).
۱۰. همه به دنبال قهرمان می‌گردند و منتظر اتفاقی هستند.
۱۱. قهرمان خانه را ترک می‌کند.
۱۲. قهرمان آزمایش می‌شود تا برای دریافت کمک و یا حتی جادو آماده شود.
۱۳. قهرمان وارد عمل می‌شود.
۱۴. قهرمان امکان کاربرد وسیله‌ای جادویی را به دست می‌آورد.
۱۵. قهرمان به جایی که باید باشد، می‌رسد (و یا منتقل می‌شود).
۱۶. قهرمان و شرور با هم وارد جنگ می‌شوند.
۱۷. قهرمان زخمی می‌شود.
۱۸. شرور شکست می‌خورد و یا کشته می‌شود.
۱۹. بدبختی یا طلسم از بین می‌رود.
۲۰. قهرمان باز می‌گردد.
۲۱. قهرمان تحت تعقیب فرار می‌کند.
۲۲. قهرمان از دست تعقیب‌کنندگان از سوی جادو و یا کمک‌کننده‌های دیگر جان سالم به در می‌برد.
۲۳. قهرمان ناشناس به خانه و یا کشور دیگری می‌رود.
۲۴. قهرمان دروغینی پیدا می‌شود و ادعاهای جدیدی می‌کند.
۲۵. شرایط برای قهرمان اصلی سخت می‌شود. او دوباره باید در معرض امتحان قرار گیرد و وظیفه‌ای دشوار به او واگذار می‌شود.
۲۶. امتحان‌ها انجام می‌شود و قهرمان موفق می‌شود.
۲۷. قهرمان اصلی شناخته می‌شود.
۲۸. قهرمان دروغین و شرور داستان از بین می‌رود.
۲۹. قهرمان وجه جدیدی پیدا می‌کند.
۳۰. شرور مجازات می‌شود.

۳۱. به قهرمان پاداش داده می‌شود (که معمولاً ازدواج و پادشاهی، پاداش قهرمان است) (Aguirre, 2011: 143-145).

این الگو به همین شکل برای ساختارگرایان تعمیم‌پذیر و پذیرفتنی نبود. از این رو، تحلیل‌های جدیدی ارائه شد که به تخلیص و کلی‌نگری در روش پراپ انجامید؛ چراکه روش پراپ بر مبنای داستان‌های پریان طراحی شده بود و توسع آن بر سایر داستان‌های قهرمانانه، نیازمند طرح‌ریزی اصولی کلی‌تر با دامنه‌اشتمال فراگیرتری بود. در همین راستا، پاول وهولین روش سی‌ویک‌گانه پراپ را در نظامی با پنج مرحله کلی خلاصه و ساده کرد و در کتاب *داستان‌های عامیانه سوئد* (۱۹۶۴ م.) به کار برد:

۱. احساس کمبود و نقصانی در زندگی از سوی قهرمان و یا رویارویی وی با چالشی روحی یا جسمی.

۲. انگیزش قهرمان برای جبران آن با تلاش و پویایی.

۳. در مسیر این طلب و پویایی، قهرمان با یک عامل یاریگر روبه‌رو می‌شود. این یاریگر می‌تواند جادویی و سحرآمیز نباشد و هر آن چیزی که به قهرمان کمک می‌کند، اعم از یک جمله، یک رویداد، یک زخم و... می‌تواند عامل یاریگر به حساب آید.

۴. آزمون: در این مرحله، قهرمان یک یا دوبار مورد امتحان قرار می‌گیرد.

۵. پاداش: بعد از موفقیت قهرمان در آزمون، پاداشی نصیب وی خواهد شد (Bressler, 2013: 102-103).

الگوی ارائه‌شده با قابلیت تحلیل داستان‌های قهرمان‌محور از هر ژانری می‌تواند مبنای تحلیل بسیاری از آثار منثور و داستان‌های فارسی قرار گیرد. از آن جمله است *گلستان سعدی* که تعدادی از حکایت‌های تعلیمی آن ساختار روایی قهرمان‌محور دارد.

۴- نقد و بررسی

بر اساس الگوی ساختار روایی داستان، هشت حکایت از باب اول *گلستان سعدی* را می‌توان تحلیل و بررسی کرد که عبارتند از:

شماره	حکایت	عنوان	شماره	حکایت	عنوان
۱	۳	ملک‌زاده کوتاه و حقیر و برادرانش.	۲	۷	غلام عجمی در کشتی.
۳	۱۵	وزیر معزول در حلقه درویشان.	۴	۱۶	مردی گله‌مند از روزگار نامساعد و سرانجام او در کار دیوان.

شفا یافتن پادشاهی از مرضی هایل.	۲۲	۶	شفاعت سعدی درباره تنی چند از درویشان در نزد یکی از بزرگان.	۱۷	۵
ملک زوزن و خواجه کریم‌النفس.	۲۴	۸	گریختن یکی از بندگان عمرو لیث و نظر وزیر.	۲۳	۷

پیرنگ این حکایت‌ها، قهرمان‌محور و الگوی روایی آن با روش‌های پنجگانه پاول منطبق است. در ساختار روایی این حکایات، قهرمان با نقصانی روبه‌رو، و خواهان رفع آن می‌شود. در راستای این پویا، یاریگری در مسیر او قرار می‌گیرد، آزمونی را پشت سر می‌گذارد و سرانجام، به خواسته خود یا پاداشی دست می‌یابد. نخستین عنصر در ساختار مذکور، قهرمان است. هشت شخصیت قهرمان در این حکایات، از پنج تیپ و شخصیت نوعی انتخاب شده‌اند که به ترتیب بسامد عبارتند از: ۱- وزیر. ۲- دوستان سعدی. ۳- شاه. ۴- شاهزاده. ۵- بندگان و بردگان دربار.

تمام این قهرمان‌ها به سبب عنوان موضوعی باب اول، «در سیرت پادشاهان» به گونه‌ای با دایره معنایی دربار مرتبط هستند. این حکایات با معرفی قهرمان و نیز نقصان و کمبودی که رویاروی اوست، آغاز می‌شوند. بنابراین، محور موضوعی حکایات، قهرمان و چالش‌های قهرمانانه است. جدول زیر از این منظر طراحی شده است:

حکایت	قهرمان	نقصان و کمبود و چالش
۳	ملک‌زاده	کوتاهی قد و بی‌توجهی پدر به او
۷	غلامی عجمی	نداشتن تجربه دریانوردی و کشتی‌سواری و دریازدگی شدید
۱۵	وزیر شاه	معزول شدن از مقام وزارت
۱۶	یکی از دوستان سعدی	فقر و کفاف اندک و عیال‌واری
۱۷	یکی از دراویش و دوستان سعدی	انقطاع مستمری دربار از گروه درویشان به سبب انجام حرکتی نامناسب حال درویشان
۲۲	شاه	ابتلا به مرضی هایل
۲۳	از بندگان عمرو لیث	گریز ناموفق از خدمت سلطان و دستگیری و صدور حکم قتل وی
۲۴	یکی از وزرای شاه زوزن	مغضوب حاکم و محبوس شدن

بر اساس جدول بالا، تمام قهرمان‌ها از شخصیت‌های انسانی انتخاب شده‌اند که هر یک با چالشی روحی، جسمی و موقعیتی، البته ناخواسته روبه‌رو هستند. انتخاب قهرمان‌های انسانی در ساختار روایی مورد نظر، متناسب به نظر می‌رسد؛ چراکه انسان در مواجهه با نقصان، از سر اراده و تفکر، به رفع و جبران آن می‌پردازد که سرانجام به نوعی

تکامل جویی تعبیر می‌شود. بنابراین، مرحله بعدی، خواهشی است که در قهرمان پس از مواجهه و ادراک نقصان ایجاد می‌شود و طبق نظریه پراپ، یاریگری به مدد او می‌آید:

حکایت	خواسته	یاریگر	نوع یاریگر
۳	کسب توجه و رضایت پدر (شاه)	هجوم دشمن و وقوع جنگ	موقعیت
۷	بازیابی سلامت و اتمام دریازدگی	حکیم در کشتی	انسان
۱۵	کسب جمعیت خاطر و آرامش روحی	مصاحبت با درویشان	انسان و موقعیت
۱۶	رسیدن به مکتب مالی با به‌دست آوردن شغل دیوانی و درباری	ملاقات با سعدی و رفاقت دیرینه با وی و نیز رفاقت سعدی با صاحب دیوان	انسان و موقعیت
۱۷	رفع کدورت مستمری‌دهنده از حلقه درویشان و برقراری حقوق و مستمری	رفاقت با سعدی و منزلت سعدی نزد مستمری‌دهنده	انسان و موقعیت
حکایت	خواسته	یاریگر	نوع یاریگر
۲۲	درمان بیماری و شفای مرض	حکمای یونانی	انسان
۲۳	بخشش سلطان و رهایی از حکم مرگ	علقه مذهبی و دینی سلطان	موقعیت
۲۴	رهایی از زندان و به‌دست آوردن منزلت و مقام گذشته در دربار	نامه یکی از ملوک نواحی دیگر و دعوت وزیر به پیوستن به دربار او	شیء

بنا بر جدول بالا، هر یک از قهرمان‌ها پس از مواجهه با نقصان و کمبود، خواهان رفع و جبران آن می‌شوند و در این مسیر، امداد یاریگری شامل حال آنان می‌شود. شایان ذکر است که اگرچه واژه یاریگر به عنوان معادل فارسی اصطلاح «Magical Helper» استفاده می‌شود، اما بدین معنا نیست که باید خود عنصری جادویی و خارق‌العاده باشد، بلکه هر عنصری که کارکردی امدادی داشته باشد، یاریگر به شمار می‌آید. در واقع، قرار گرفتن عناصر معمولی دقیقاً در جایگاهی که به کار قهرمان می‌آید، خود با نوعی اعجاب‌انگیزی و جادو سروکار دارد. بر این اساس، عناصری که در نفس خود خنثی (نه مثبت و نه منفی) هستند، در بافت روایی داستان، در نقش یاریگر قهرمان قرار می‌گیرند؛ به عنوان نمونه، نامه‌نگاری یکی از ملوک نواحی به وزیر معزول و پاسخی که وزیر برای او می‌فرستد، از جمله عناصر خنثایی است که در بافت داستان به نقش یاریگر ارتقا می‌یابد. پادشاه آن نامه

را می‌خواند و به حق‌شناسی وزیر و وفاداری او واقف می‌شود و اعزاز و اکرام وی را به جا می‌آورد.

گاهی نیز یاریگر از عناصری با کارکرد منفی انتخاب می‌شود و در ساختار روایی داستان، کارکردی مثبت می‌یابد و به یاریگر قهرمان تبدیل می‌شود. «روی دادن جنگ» در حکایت ملک‌زاده کوتاه و حقیر و برادرانش، عنصری به‌ظاهر ناخوشایند است، اما در اثنای همین جنگ است که ملک‌زاده جنگاوری و قابلیت خود را در امر فرماندهی جنگ به نمایش می‌گذارد و به مقام ولایت‌عهده‌ی منصوب می‌شود. بنابراین، خواننده در اثنای این داستان درمی‌یابد که گاهی عناصر نامطلوب در زندگی می‌تواند کارکردی امدادی داشته باشد. چنین پیامی را می‌توان در راستای بینش تعلیمی سعدی در گلستان دانست.

انواع یاریگرها را در حکایات بررسی شده می‌توان در سه طبقه منفرد «انسان، موقعیت، شیء» و یک نوع ترکیبی «انسان و موقعیت» با بیشترین بسامد طبقه‌بندی کرد. انتخاب یاریگرهایی عادی و نه جادویی، تقویت بُعد واقع‌گرایانه حکایات را سبب شده‌است. بر این اساس، موقعیت‌های برساخته را می‌توان باور کرد و به شرایط مشابه در زندگی خوانندگان تعمیم داد که با هدف غایی سعدی در گلستان به عنوان یک متن تعلیمی هم‌سو می‌نماید. در بررسی یاریگرهای ترکیبی انسان و موقعیت، این نکته استنباط می‌شود که انسان به عنوان یک هویت در زمانی و در مکانی در نظر گرفته شده‌است و از این رو، برای یاریگر بودن به موقعیت زمانی و مکانی مناسبی نیاز دارد تا بتواند نقش امدادی خود را در برابر قهرمان داستان ایفا کند. حکما و طبیبان بیش از دیگران نقش یاریگر را در حکایات بازی کرده‌اند و این نقش با کارکرد شغلی آن‌ها در جامعه متناسب است. همچنین، وجود دوستان خوب و داشتن مقام و منزلت در جامعه، از یاریگرهای موقعیتی عمده در حکایات است که نشان می‌دهد کیفیت زندگی اجتماعی و نحوه رفتار با افراد جامعه خود می‌تواند عنصری امدادی در زندگی افراد باشد. نام بردن سعدی از خود در دو حکایت به عنوان دوست و صاحب مقام و منزلت اجتماعی، در نقش یاریگر، علاوه بر حضور نویسنده در روایت، می‌تواند به نوعی نارسسیسم (Narcissism) پنهان سعدی تعبیر شود. پس از بهره‌مندی قهرمان از یاریگراهاست که مرحله آزمون آغاز می‌شود و قهرمان ناگزیر از رویارویی با آن در بوتۀ آزمایش قرار می‌گیرد تا سره از ناسره آشکار شود و شایستگی او در نقش قهرمان محک بخورد. معمولاً قهرمان از مرحله آزمون با موفقیت و سربلندی بیرون

می‌آید و خواسته‌ای که در ابتدای روایت، او را به حرکت و پویایی واداشته است، حاصل می‌شود و گاهی پاداشی نیز علاوه بر آن شامل حال قهرمان خواهد شد.

حکایت	آزمون	پاداش
۳	جنگاوری شجاعانه و فرماندهی و انتظام سربازان	جلب نظر و رضایت پدر انتصاب به مقام ولایت‌عهدی
۷	انداختن غلام در دریا و غوطه خوردن وی در آب	اتمام دریازدگی و حصول سلامت و آرامش
۱۵	دعوت شاه از وی برای انتصاب دوباره در مقام وزارت و رد آن از سوی وزیر	تقویت مناعت طبع و حصول آرامش و جمعیت خاطر
حکایت	آزمون	پاداش
۱۶	مجاب کردن سعدی برای وساطت و معرفی وی به دیوان برای تصدی شغلی دیوانی	ورود به دربار و حصول تقرب سلطان و مشارالیه و معتمد وی شدن
۱۷	جفا دیدن سعدی از دربار و نیز مجاب کردن حاکم برای بخشش و چشم‌پوشی خطاها و برقراری دوباره انعام و مستمری	بخشش حاکم و احیای مستمری به قاعده ماضی
۲۲	نسخه حکما مبنی بر قتل یک جوان با مشخصات خاص و خوردن زهره (کیسه صفرای) وی، یافتن آن جوان، حصول رضایت والدین و صدور فتوا برای مشروعیت قتل، گوش سپردن شاه به سخنان جوان و گذشتن از خون وی و درمان خود	حصول شفای عاجل
۲۳	مجاب کردن سلطان برای گذشتن از خون وی و مقابله با مکر وزیر بدخواه	رهایی از مرگ و ابطال حکم مجازات
۲۴	دریافت دعوت‌نامه از حاکم ولایتی دیگر و نپذیرفتن آن و ارسال نامه‌ای مبتنی بر وفاداری به ولی‌نعمت خویش و ارجحیت زندان شاه به پناهندگی به ولایت دیگر	حصول بخشش سلطان، رهایی از زندان و نیز اعزاز و اکرام از جانب سلطان

با توجه به آزمون‌های مذکور، درمی‌یابیم که هر قهرمان با بحرانی مرتبط با نقاط ضعف شخصیتی خود روبه‌رو می‌شود و در آن، قدرت جسمی، فکری، روحی، اخلاقی وی سنجیده می‌شود:

- درایت و کارآمدی نظامی و کشورداری در حکایت ۳.
- خویشتنداری و صبر بر سختی‌ها در حکایت ۷.
- وارستگی و مناعت طبع در حکایت ۱۵.
- فراست، دانش و خردمندی در حکایت ۱۶.

- رفاقت، صبر و بزرگواری در حکایت ۱۷.

- انصاف و عدالت در حکایت ۲۲.

- هوش و فراست در حکایت ۲۳.

- وفاداری در حکایت ۲۴.

از جمله مقوله‌های شخصیتی قهرمان‌هاست که به بوتۀ آزمون گذاشته می‌شود و در تمام آن‌ها، قهرمان از آزمون موفق بیرون می‌آید. با توجه به مقوله‌های مذکور به نظر سعدی، آنچه حفظ و پاسداری از آن در بحران‌های زندگی، موفقیت قهرمانانه محسوب می‌شود، صفات والای اخلاقی و انسانی است.

در تمام حکایات، پس از طی کردن موفقیت‌آمیز آزمون، خواستۀ قهرمان تحقق می‌یابد، با ذکر این نکته که گاه کیفیت آن بالاتر از توقع قهرمان و گاه پایین‌تر از آن است؛ به عنوان نمونه، در حکایت ۳، شاهزاده در پی جلب نظر و محبت پدر است، اما نه تنها به آن نائل می‌شود، بلکه مقام ولایت‌عهدی را نیز به دست می‌آورد. خلاف آن نیز در حکایت ۱۶ دیده می‌شود که گرچه قهرمان به دربار و شغل دیوانی دست می‌یابد، اما پس از چندی، به حسد حاسدان و انواع عقوبت دچار می‌شود. یکسان نبودن در پایان‌بندی حکایات و مرحله پاداش، نشان‌دهندۀ دیدگاه نسبی و عدم قطعیت سعدی در ادبیات تعلیمی خود است؛ به عبارت دیگر، پایان‌بندی‌های مذکور نشان می‌دهد که هیچ قانون ازپیش‌تعیین‌شده‌ای در ساختار روایی زندگی انسان‌ها وجود ندارد و هر عنصری در موقعیت‌های مختلف می‌تواند کارکردها و نتایج متفاوتی داشته باشد. بنابراین، بر اساس نظر سعدی، گاهی ممکن است انسان در مقام قهرمان روایت زندگی خود، طالب خواهشی باشد که در صورت وصول به آن، نادم و پشیمان شود و یا آن گونه که در حکایت‌های ۱۵ و ۲۲ آمد، قهرمان در راه کسب مطلوب خود به یافته‌هایی ارزشمندتر دست می‌یابد که سبب می‌شود از پذیرش و حصول خواستۀ پیشین خودداری کند.

بر این اساس، عنصر انگاره‌ای نسبییت را می‌توان یکی از ویژگی‌های روایی حکایت‌های سعدی دانست که اگرچه در مراحل پنجگانه مورد بررسی تغییر ایجاد نمی‌کند، اما در نتایجی که پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد، بسیار مؤثر است.

۵- نتیجه

آنچه از مطابقت نظریۀ ریخت‌شناسی پاول وهولین و گلستان سعدی آشکار شد، آن است که سعدی در تعدادی از حکایات تعلیمی خود از الگوی داستان قهرمان‌محور بهره

برده‌است و در آن، تمام مراحل پنجگانه (احساس کمبود و نقصان از سوی قهرمان، انگیزش برای جبران آن، مواجهه با یاریگر، رویارویی با آزمون، و پاداش) رعایت شده‌است. بر این اساس، سعدی با پردازش شخصیت‌هایی که هر یک قهرمان داستان زندگی خود هستند، مخاطب را با فضایی واقع‌گرایانه روبه‌رو می‌کند و نکات تعلیمی را با ژانرهای متفاوت از جمله قهرمان‌محور به او منتقل می‌کند. تمام حکایاتی که با الگوی وهوپلین منطبق است، در باب اول *گلستان* (در سیرت پادشاهان) آمده‌است و قهرمان‌ها همگی انسان و به نوعی با رمزگان دربار مرتبط هستند. از این منظر، سعدی مواجهه با مسائل دربار را نوعی چالش برای افراد مرتبط با آن می‌داند که برطرف کردن آن نیازمند حرکت و سیر قهرمانانه است. چالش‌هایی از تمام ابعاد روحی، جسمی و موقعیتی، و البته ناخواسته، انتخاب شده‌اند و بیانگر آن است که هر نقصانی می‌تواند برای انسان‌ها تبدیل به چالشی بزرگ شود که می‌تواند قهرمانانه از سرِ تفکر و اراده، به جبران آن برخیزد و این خود از نقاط افتراق انسان با دیگر موجودات است. اینجاست که با ورود قهرمان در مسیر حل چالش، یاریگری به یاری او می‌آید. بیشترین یاریگرهای سعدی، ترکیب «انسان و موقعیت» و بیش از همه، از طبقه «طبیعیان» انتخاب شده‌اند که نمادی از خرد و تجربه به حساب می‌آیند. انتخاب عناصر خنثی یا منفی، به عنوان یاریگر، در پی تعلیم نسبیّت در جریان زندگی است و اینکه پیشامدهای منفی می‌توانند آثار مثبتی در زندگی انسان داشته باشند. محک خوردن و آزمون قهرمان گامی است که باید برداشته شود تا حصول خواسته فراهم شود. آنچه در این مرحله به بوتهٔ آزمایش گذاشته می‌شود، صفات پسندیدهٔ انسانی (مانند درایت، صبر، فراست، وفاداری، رفاقت و وارستگی و مناعت طبع) است؛ به عبارت دیگر، سعدی سربلندی انسان را در حفظ صفات والای اخلاقی در جریان بحران‌های زندگی می‌داند. پس از حفظ سجایای اخلاقی است که آنچه خواستهٔ قهرمان و مایهٔ انگیزش وی به سیر قهرمانانه بوده‌است، با همان کیفیت متصور و گاهی بیش از آن، حاصل می‌شود. بر این اساس، سعدی سیر قهرمانانه را در زندگی نتیجه‌بخش می‌داند و آن را بخشی از تکامل شخصیت و بهبود کیفیت زندگی افراد می‌انگارد.

منابع

- اخوت، احمد (۱۳۷۳)، *دستور زبان داستان*، اصفهان، فردا.
 اسکولز، رابرت (۱۳۸۳)، *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ج ۲، تهران، آگه.
 تولان، مایکل جی (۱۳۸۳)، *درآمدی نقادانه - زبان‌شناختی بر روایت*، ترجمهٔ ابوالفضل حری، تهران، بنیاد سینمایی فارابی.

پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸)، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، توس.
شریف‌نسب، مریم (۱۳۹۴)، روایت‌پژوهی داستان‌های عامیانه ایرانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Aguirre, M. (2011), "An Outline of Propp's Model for The Study of Fairytales", *The Northanger Library Project* (NLP), P.p: 143-175.

Bressler, C. E. (2013), *Literary Criticism: An Introduction to Theory & Practice*, Pearson, Prentice Hal.

Proop, V. (1968), *Morphology of the Folktale*, 2ndedit, Austin, University of Texas Press.

